



## پژوهش‌های روایی، تربیت معلم و برنامه‌دستی کارورزی

دکتر فرشته آل حسینی

کنند. نخست، کنجکاوم بفهمم چرا کسانی که با تربیت معلم و برنامه‌دستی کارورزی در تربیت معلم سروکار دارند، به پژوهش‌های روایی به عنوان یک بدیل، یک انتخاب خوب، یک ابزار کارآمد، و نه یک روش دلبخواهی یا مد روز می‌نگرند.

به نظر من، اگر برنامه‌دستی کارورزی در تربیت معلم غایتی جز برانگیختن و مهیا کردن معلمان آینده برای «عمل‌ورزی» در صحنه تربیت ندارد، پژوهش‌های روایی هم غایتی جز بهبود عمل‌ورزی ندارد؛ بهبودی‌ای که میسر نمی‌شود مگر از طریق یادگیری، یادگیری‌ای که میسر نمی‌شود، مگر از طریق تجربه؛ تجربه‌ای که خود نیازمند رشد و بالیدن از طریق فهم است. به خوبی آگاهیم، تجارب را کد بدون میل به فهم، نه یادگیری در پی دارند، نه میل به یادگیری را برمی‌انگیزند، و نه هرگز لازم می‌شود، شخص در آن‌ها درنگ، تحقیق یا تأمل کند تا بهبودی در عمل حاصل شود. در نتیجه، عاملان به ابزاری مطمئن برای تحقیق در تجربه به منظور رشد تجربه و تضمین تداوم یادگیری حین عمل‌ورزی نیاز دارند.

از این رو، نظریه‌پردازان روایی و مبتکران پژوهش‌های روایی تلاش می‌کنند از کارایی آن برای تضمین تداوم یادگیری معلمان و رشد حرفه‌ای‌شان دفاع کنند. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان درسی طرفدارش نیز تلاش می‌کنند، بنیادش را با سیاست‌گذاری در تربیت معلم استوار، و پایه‌هایش را با تدارک برنامه‌های تدبیرشده به ویژه از طریق برنامه‌دستی

نخست، مایلم ضمن تشکر از دعوت آموزشنامه دانشگاه فرهنگیان با موضوع کارورزی، ابراز خرسندی کنم از فرصتی که برای ارتباطی ضروری، و طرح بحثی مهم به وجود آمده است. این یادداشت را هم فرصتی یافتیم برای گشودن باب ارتباط و معرفی گروه پژوهشی تازه شکل‌گرفته کارورزی و آماده‌سازی معلمان پژوهشکده مطالعات تربیت معلم، و هم فرصتی برای گشودن باب بحث روز «پژوهش‌های روایی». موضوعی که هم مورد علاقه و پیگیری جدی مسئولان و برنامه‌ریزان درسی کارورزی است، هم مایه نگرانی مدرسان تربیت معلم، و هم مشغله ذهنی این روزهای گروه پژوهشی کارورزی. از این رو، علاقه‌مندم در طول فعالیت‌های این گروه، حتی پیش از آن که محصولانش در آینده دور یا نزدیک به صورت جزوه، مقاله، گزارش تحقیق، کتاب، سمینار، سمپوزیوم یا کارگاه در اختیار مدرسان و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان قرار بگیرد، بحثی را در اینجا آغاز، و احتمالاً در جای دیگر پی‌گیری کنم. قصد دارم از این طریق، فهم و تجربه‌ای در حال شکل‌گیری را با اهالی تربیت معلم، به ویژه عاملان کارورزی (اعم از سیاست‌گذار، برنامه‌ریز درسی یا مدرس) به اشتراک بگذارم.

عنوان پژوهش‌های روایی، تربیت معلم و برنامه‌دستی کارورزی را برای این یادداشت برگزیدم؛ زیرا می‌خواهم در ابتدا، درباره فهم اولیه خودم از نسبت میان این‌ها بنویسم تا شاید به ویژه، نظر مدرسان مردد، نگران یا سرگردان در مواجهه با برنامه‌دستی جدید کارورزی را به خود جلب



هم منصفانه ارزیابی‌اش کرد و درباره کارایی و اثربخشی‌اش حکم کرد. این آخری حساس و تعیین کننده است، زیرا «اعتبار» در حوزه تحقیقات کیفی از این طریق احراز می‌شود. بدین معنا که افرادی در شرایط و موقعیت (con-text) خودشان ابزار را می‌آزمایند و حکم می‌کنند شایسته اعتماد است یا نیست. به شرطی که مراقب باشند کار تیشه از اره نکشند و سرانجام حکم نکنند، کارا نیست. پس، در مقام کاربران و اعتبار دهندگان احتمالی این روش، تعهدی عالمانه و اخلاقی داریم. زیرا، باید بفهمیم پژوهش‌های روایی چیست، برای چیست و چگونه کار می‌کند، تا بتوانیم اصولی تجربه‌اش کنیم، درست فهمش کنیم، و منصفانه درباره‌اش قضاوت کنیم؟ اصلاً شاید برای شروع مناسب‌تر است ببرسیم، پژوهشگران روایی کیستند و چه کار می‌کنند؟

### پژوهش‌های روایی و بحث تحول

من به عنوان محقق مأمور به تحقیق در باب «کارورزی» - که به دلیل طبیعت رشته‌ام بیش‌تر مایلم آن را عمل‌ورزی بنگرم - ترجیح می‌دهم برای جستجوی پاسخ پرسش بالا نزد خبره آن بروم؛ نزد استادی که «تحقیق روایی» می‌کند و با «عمل» خود، نظریه آن را توأمان می‌سازد و می‌آموزد، مثل آیور گودسون. گودسون در حال حاضر، در مرکز تحقیقات تربیتی در دانشگاه برایتون انگلستان مستقر است، اما همکارانش در زمینه تحقیق روایی در کشورهای مختلف پراکنده‌اند. او یکی از جدی‌ترین مدافعان و نظریه‌پردازان «روایی» در حوزه تحقیقات تربیتی و تربیت معلم است. می‌گویم، جدی‌ترین، چون با صرف حدود سه دهه از زندگی آکادمیک خویش در زمینه تحقیقات کیفی، تاریخچه زندگی معلمان، برنامه درسی و تحقیق روایی،

کارورزی مستحکم کنند. اما، سهم مدرسان و محققان ناآشنا با این ابزار برای رسیدن برنامه درسی کارورزی با رویکرد پژوهش‌های روایی به غایت خودش چیست؟ برنامه‌ای که عاملان آن خود را در معرض تجربه و فهم رویکردی بدیل می‌یابند که «دیگران» آن را تجربه و آزموده‌اند، و آنگاه که از اعتبار (validity) یا دقیق‌تر بگوییم، از شایستگی اعتماد (trustworthiness) بدان اطمینان حاصل کرده‌اند، به اشاعه و توصیه آن به عاملان، از جمله معلمان و مدرسان تربیت معلم پرداخته‌اند.

پاسخ پرسش مذکور، با توجه به چرخه منطقی که در بالا بدان اشاره شد، برایم تا حدی روشن است. آن‌ها نیز در مقام معلمان محقق یا محققان معلم برای گریز از ابهام و تردید، ناگزیر به یادگیری از طریق تجربه‌اند؛ البته تجربه‌ای که نیاز به رشد و بالیدن از طریق فهم دارد. آن‌ها نیز به ابزاری مطمئن برای رشد تجربه و تضمین تداوم یادگیری خود نیاز دارند. بنابر این، یک راه پیشنهادی برای غلبه بر آشفتگی در مواجهه با یک برنامه درسی تجویزی که رویکرد ناشناخته پژوهش‌های روایی را برگزیده است، انداختن خود در آغوش تجربه است؛ تجربه کردن یک روش فعلاً نامفهوم، و نه لزوماً شایسته اعتماد (trustworthiness)، اما درخور آزمودن (testworthiness). به دور از از شیوه

اما، لازم است همزمان با آزمودن یک ابزار ناشناخته تخصصی و پیشرفته، منطق آن را فهم کرد و طرز کارش را آموخت تا هم بتوان آن را درست و اصولی به کار برد، هم منصفانه ارزیابی‌اش کرد و درباره کارایی و اثربخشی‌اش حکم کرد.



عرضه و تقاضای مرسوم در بنگاه‌های آموزش عالی که مدت هاست گریبان نهاد تربیت معلم را گرفته است؛ منظور همان تعلیم دادن عاری از فهم و تجربه پژوهش‌های روایی است. بلکه به شیوه برازنده نهاد تربیت معلم که همانا کاربرد پژوهش‌های روایی به همراه معلمان آینده است. فارغ از مأموریتی که یک برنامه درسی تجویزی تعیین کرده است، بلکه از سر کنجکاوی، خطر کردن و آزمودن مسیرهای جدید که طبیعت معلمی کردن است؛ برای آزمودن دعاوی مدرسان و معلمان پژوهشگری که در سراسر دنیا پراکنده‌اند و مسائلی مشابه ما دارند؛ مسیری را آزموده‌اند و آن را برای حل برخی مسائل تدریس و یادگیری که قلب تربیت است، سودمند یافته‌اند و توصیه‌اش می‌کنند. به نظر می‌رسد، این مسیر برای کسانی که ایده‌آلی چون معلم فکور، پژوهنده یا اهل تأمل را تعقیب می‌کنند، ارزش آزمودن را دارد. پیشگامانش ادعا می‌کنند که مسیر هموارتری است.

اما، لازم است همزمان با آزمودن یک ابزار ناشناخته تخصصی و پیشرفته، منطق آن را فهم کرد و طرز کارش را آموخت تا هم بتوان آن را درست و اصولی به کار برد،

صاحب ده‌ها کتاب و صدها مقاله در این زمینه‌هاست. اصطلاح فنی «تحقیق روایی» (narrative research) را او به کار می‌برد، اما شما می‌توانید بخوانید «پژوهش روایی» (narrative inquiry). البته اگر، مقیاس تحقیق، بودجه



ما ناگزیر به تجربه کردن و فهمیدن حین خواندن و آموختن از تجربیات دیگران هستیم. فرصت، تأنی، تقدم و تأخری وجود ندارد، زیرا چه بخواهیم چه نخواهیم، این موج را به راه انداخته‌اند. ما نیز تماشاگران سرخوش ساحل نشین نیستیم، بلکه درست در وسط حادثه‌ایم. پس، باید انتخاب کنیم که بر این موج سوار شویم، یا تماشا کنیم بر سرمان آوار بشود.

در هر حال، «تحقیق روایی»، «یادگیری روایی»، «تربیت روایی»، «سرمایه روایی» و مفاهیم درخور توجه دیگر که به منظور آشنایی با تفکر و رویکرد «روایی» در آینده بیشتر درباره آن‌ها برای تان خواهم نوشت، مفاهیم و سازه‌هایی هستند که در فضای اندیشیدن درباره تحول و موانع وقوع آن در تربیت شکل گرفته‌اند، و با گذشت زمان به درجه‌ای از پیچیدگی و بلوغ رسیده‌اند که گویی تازه‌واردان را بدان راهی نیست. از منظر این تازه‌واردان، این‌ها دگرگونی‌هایی هستند که محققان روایی در مواجهه با مسئله تحول در زمینه تربیت معلم بدان‌ها رسیده‌اند. گرچه ما فعلاً به دلیل بی‌تجربگی بدین فهم و مفاهیم دسترسی نداریم، اما برای پیشگیری از مواجهه با سؤال دشوار مهر رئیس‌جمهور وقت در سال ۱۴۰۰ - مبنی بر بررسی علل عدم وقوع تحول در آموزش و پرورش علی‌رغم بودجه هنگفتی که هزینه آن می‌شود - اولین کار معقولی که باید بکنیم، تجربه آگاهانه و نه کورکورانه این شیوه تفکر (روایی) است، و آزمودن ابزارش (پژوهش روایی) در مواجهه با مسائل «تحول» در زمینه تربیت معلم کنونی خودمان. البته، در مقیاس خرد و چه بسا میکرون، مثلاً در حد یک کلاس سی‌چهل نفره با درسی یک واحدی یا کمی بیشتر؛ با صرف کم‌ترین زمان ممکن، مثلاً در یک ترم تحصیلی یا اندکی بیشتر؛ و مثل همیشه قناعت‌گرانه، بدون چشم داشت به بذل اعتبارات هنگفت. اما، با این امیدواری که این اعمال آگاهانه، اگر نگوییم تحول‌ساز، در تربیت جریان‌ساز شوند.

تحقیق، اختلاف سلیقه زبانی (انگلیسی/آمریکایی) و برخی تمایزات ظریف مفهومی را فعلاً نادیده بگیرید.

کنجکاو شدم بینم تحت عنوان «تحقیق روایی»، او و محققان معلم و معلمان محقق‌اش در نقاط مختلف دنیا چه می‌کنند. خوشبختانه چون مستندساز و روایت‌گر است، شرح کاملی از فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی‌اش را در صفحه شخصی‌اش و حتی کتاب‌ها و مقالاتش خواهید یافت. چیزی که در نظر اول، هنگام مطالعه مقدمه یکی از آثارش توجهم را به خود جلب کرد، سؤالی پژوهشی بود که در سرآغاز روایتش در باب «روایی» در برابرش نهاده شد، و پروژه‌ای که زان پس وی را درگیر آن کرد. او در جایی می‌نویسد، در دوران اقامت در آمریکا، رئیس‌جمهور وقت از آن‌ها خواسته بود بفهمند، چرا علی‌رغم میلیاردها و میلیاردها دلار بودجه‌ای که صرف آموزش و پرورش می‌شود، هیچ تحول جدی‌ای در آن رخ نمی‌دهد.

صرف‌نظر از تفاوت آشکار در گشاده‌دستی در صرف بودجه برای تحول در آموزش و پرورش که گویا آن نیز به تنهایی تحول به بار نمی‌آورد، یک تشابه آشکار وجود دارد که بسیار جلب توجه می‌کند و آن خود بحث «تحول» است که انگیزه کنونی تغییرات پرشتاب در نظام تربیت ما، از جمله تغییر رویکرد برنامه‌های درسی کارورزی تربیت معلم است. پس، آنچه موجب نسبت‌دار شدن پژوهش روایی با تربیت معلم و برنامه درسی کارورزی می‌شود، بحث تحول است؛ درست در لحظه‌ای که محققان می‌فهمند، سازه تحول هیچ نسبتی با معلمان و زندگی‌هایشان ندارد.

سازه تحول، حتی برای ما در این لحظه که رویکرد پژوهش روایی را برای برنامه درسی کارورزی برگزیدیم، می‌تواند هیچ نسبتی با معلمان و زندگی‌هایشان نداشته باشد، چنانچه موفق نشویم، بخشی از حواس و ذهن خود را از تغییرات گسترده در محتوا به تغییر فرایند معطوف کنیم. تغییری که میسر نمی‌شود، مگر توسط معلم در مقام «عامل»، «راوی» (گودسون)، «داننده» (کانلی)، «محقق» (استنهاوس)، «تأمل‌گر» (شون)، فکور (مهرمحمدی). مقاماتی که قرار است مقدماتش در تربیت معلم، به‌ویژه در برنامه‌های درسی کارورزی فراهم شود.

گویی، ما نیز در وضعیتی مشابه با وضعیت پژوهشگر روایت بالا قرار داریم. وضعیت گودسون در ابتدای کارش در زمینه تحول (۱۹۹۸)، تاحدی شبیه وضعیتی است که ما را در آن گیر انداخته‌اند. با این تفاوت که او فراخوانده شد تا دلایل عدم وقوع تحول را طی تحقیقی که پنج سال به طول انجامید (۱۹۹۸-۲۰۰۳) بررسی کند، و در این مسیر به فهمی به نام «روایی» و راه‌حلی به نام «تحقیق روایی» رسید. اما، ما فراخوانده شده‌ایم که برای وقوع تحول، دگرگینی به نام «پژوهش روایی» را در همین لحظه بیازماییم. البته، برای این فراخوانندگان و فراخوانده‌شدگان، آموختن از تجربه پویندگان راه‌های تحول در تربیت، هم روش‌نگر است و هم شرط عقل، اما بی‌شک کافی نیست. زیرا، آن چه همچنان مقام اولی تری در روش‌نگری دارد، «تجربه» است.

1-Ivor Goodson .

-/http://www.ivorgoodson.com .

Goodson, I.; Loveless, A. M. & Stephens, D. .

(2012). Explorations in Narrative Research. Rotterdam: Sense Publishers

۴ این عطف به تعابیر مختلف مورد تأکید برخی نظریه‌پردازان برنامه درسی و در صدر آن‌ها لارنس استنهاوس است.

5-Goodson I. F., & Hargreaves, A. (1998-2003). Change over time? A study of culture, structure, time and change in secondary schooling. USA: The Spencer Foundation

6-Narrative Learning .

7-Narrative Pedagogy .

8-Narrative Capital .